

تاریخ اسلام

شرح حال و زندگی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

(۴)

برخی از فضائل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

نویسنده:

علی ریخته کز زاده تهرانی

ناشر:

دفتر نشر فرهنگ و معارف اسلامی

مسجد هدایت

نام جزوه: تاریخ اسلام - شرح حال و زندگی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام (۴)

موضوع: برخی از فضائل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

نویسنده: علی ریخته‌گرزاده تهرانی

ناشر: دفتر نشر فرهنگ و معارف اسلامی مسجد هدایت

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|---------|--|
| ۴..... | تسیحات حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> |
| ۷..... | موقعیت و منزلت حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> نزد پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> |
| ۱۶..... | فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> و حجاب |
| ۲۹..... | دعای نور درمانی شگفت آور برای تب |
| ۳۰..... | رحلت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> |
| ۳۵..... | خودآزمایی |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام

در کتاب بحار الانوار از (علل الشرایع) از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که به مردی از بنی سعد فرمود: آیا می خواهی ماجرائی از خود و فاطمه زهرا علیهما السلام برایت نقل کنم؟ عزیزترین فرد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بانوی خانه‌ی من بود و او آن قدر از چاه آب کشیده بود که اثر آن بر روی سینه اش دیده می شد، آن قدر با (آسیا) گندم یا جو آرد کرد که دست هایش پینه بسته بود، به همین علت سخت به زحمت افتاد، بدو گفتم وقتی به سراغ پدر خود رفتی، از حضرتش خدمتکاری بخواه تا در کارها مددکار تو باشد، تا از این همه رنج و محنت راحت شوی، به دنبال آن، فاطمه علیها السلام خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفت، در حالی که آن حضرت مشغول گفتگو با گروهی بودند، بدون آنکه با پدر سخنی بگویند، با شرم و خجالت برگشت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که می دانستند فاطمه زهرا علیهما السلام برای حاجتی آمده بود، خود به منزل فاطمه علیها السلام آمد و صدا زد، سلام علیکم، علی علیه السلام فرمود چون آماده پذیرائی نبودیم پاسخ ندادیم، بار دوم فرمود سلام علیکم، پاسخ ندادیم بار سوم سلام داد و ما برای آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برنگردند پاسخ دادیم، سلام بر شما یا رسول الله بفرمائید.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و بالای سر ما نشسته فرمودند فاطمه جان دیروز برای چه حاجتی نزد من آمدی؟ علی علیه السلام می فرماید ترسیدم که فاطمه علیها السلام پاسخ

پیامبر ﷺ را نگوید و آن حضرت برخیزد عرض کردم، ای پیامبر خدا ﷺ عَلت را برای شما می گویم.

فاطمه زهرا ع آن قدر آب کشیده که بر سینه اش اثر آن باقی مانده و آن قدر سنگ (آسیا) چرخانده که دستش پینه بسته، و آن قدر خانه را جارو کرده که لباسش خاک آلود گشته و آن قدر آتش در زیر دیگ برافروخته که پیراهن او بوی دود گرفته، من به او گفتم به سراغ پدر بروید و خدمتکاری بخواهید، تا آن خدمتکار شما را در این کارهای سخت یاری دهد. رسول خدا ﷺ فرمود: می خواهید چیزی به شما بیاموزم که از خادم به مراتب بهتر است؟ وقتی خواستید بخواید، سی و سه مرتبه سبحان الله، سی و سه مرتبه الحمد لله، سی و چهار مرتبه الله اکبر، بگویید در این هنگام فاطمه ع عرض کرد: از خدا و رسولش راضی شدم و این جمله را سه بار تکرار فرمود.

و در روایت دیگری چنین نقل شده که حضرت فاطمه ع خدمت پیامبر ﷺ رسید و از رسول خدا ﷺ خواستند خدمتکاری برای آن حضرت قرار بدهند و حضرت فرمودند: فاطمه جان چیزی به تو یاد دهم که برایت از خادم و آن چه در دنیاست بهتر باشد. بعد از نماز، سی و چهار مرتبه الله اکبر، سی و سه مرتبه الحمد لله، سی و سه مرتبه سبحان الله بگو، و این اذکار را با لا اله الا الله پایان بخش. (و در برخی از روایات آمده بعد از آن اذکار یک مرتبه استغفرالله بگو). به همین دلیل فاطمه زهرا ع همواره پس از هر نماز این تسیحات را می گفتند و به همین عَلت این تسیحات به نام آن حضرت معروف شد و در برخی از روایات آمده که ارزش آن بهتر از هزار رکعت نماز است.

از این احادیث معلوم می‌شود که حضرت زهرا علیها السلام با تمام آن جلالت قدر و بزرگی شأنشان و شرافتی که داشتند تمام کارهای منزل را خودشان شخصاً انجام می‌دادند و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در پاره‌ای از کارهای منزل به ایشان کمک می‌کردند.

البته ممکن است به ذهن برخی از خانم‌ها چنین آید که کار منزل وظیفه هر زنی است و حضرت زهرا علیها السلام نیز چون زن بودند این کارها را انجام می‌دادند و این مطلب مسئله‌ای است عادی و عمومی نسبت به همه زن‌ها ولی باید توجه داشت که زندگی آن روز حضرت زهرا علیها السلام با زندگی امروز خانم‌ها که بیشترین کارهای منزل مانند تهیه نان در خارج از منزل صورت می‌گیرد کاملاً متفاوت است، در آن زمان و در زندگی مشترک بین حضرت امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه علیها السلام، برای تهیه نان باید گندم یا جو تهیه می‌شد و حضرت زهرا علیها السلام آن را با آسیای کوچکی که در منزل داشتند با دست مبارک خود آرد می‌کردند و آرد را خمیر کرده و آن را در تنور داخل منزل به صورت نان می‌پختند و این خود یک کار سخت و وقت‌گیر بود و آن حضرت به طوری که در تاریخ نقل شده آن قدر دسته آن آسیا را می‌گرداندند که دست مبارکشان گاهی خون‌آلود می‌شد، حضرت با داشتن چهار فرزند که فاصله سنی آن‌ها بسیار کم بود و همه کوچک و نیازمند به پرستار بودند باید این گونه نان تهیه می‌کردند و قهراً نظافت منزل هم نسبت به امروز کار سختی بود که همه روزه داشتند، شستشوی لباس خود و همسر و فرزندان‌شان با شرایط آن روز کار کمی نبود و همچنین، با عنایت خاصی که به نظافت فرزندان‌شان داشتند باید آنها را با دست

مبارکشان می‌شستند چون حمام در منزل نبود و اهتمام زیاد خاندان پیامبر ﷺ به تمیزی، اقتضاء می‌کرد همه روزه یا یک روز در میان فرزندانشان را حمام کنند، همه این‌ها ضمیمه می‌شد به عبادت آن حضرت و نماز و اوراد و اذکاری که به آن اهتمام می‌ورزیدند به قول اقبال لاهوری:

آن ادب پرورده‌ی صبر و رضا آسیاگردان و لب قرآن سرا

و در این میان کمک و همکاری حضرت امیرالمؤمنین ع بسیار جالب بود. خود آن حضرت می‌فرمایند: رسول خدا ﷺ بر ما وارد شدند در حالی که فاطمه زهرا ع کنار دیگ غذا نشسته بود و من (عدس) پاک می‌کردم، فرمود: ای ابوالحسن! عرض کردم لیبک یا رسول الله فرمود: گوش فراده زیرا آنچه می‌گویم از سوی پروردگار می‌گویم. مردی که به همسر خود در منزل کمک کند به عدد هر موی بدنش یک سال عبادت برایشان می‌نویسند، برای روزها روزه‌داری و برای شب‌ها شب‌زنده‌داری.^۱

موقعیت و منزلت حضرت فاطمه زهرا ع نزد پیامبر ﷺ

لازم است بدانیم دوستی پیامبر ﷺ نسبت به فاطمه زهرا ع مانند محبت دیگر پدران نسبت به دخترشان نبود و این احترام صرفاً به خاطر عاطفه پدری نبود. بلکه پیامبر خدا ﷺ به دخترشان به دید عظمت و بزرگی می‌نگریستند و می‌توان گفت، گویا از سوی خداوند مأموریت داشتند که از او احترام کنند. به همین جهت هیچ فرصتی را برای انجام این مأموریت از دست نمی‌دادند و شاید



یکی از جهات مأموریت آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این بود که مقام و موقعیت آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَام نزد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روشن شود و مسلمانان ببینند و بدانند حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام در پیشگاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خداوند چه عظمتی دارد، چون پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می دانستند بعد از آن حضرت نسبت به آن بزرگوار هتک حرمت شده و آن حضرت را مورد ظلم و ستم قرار می دهند. طبیعی است که با این احترامات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، کسانی که نسبت به آن وجود گرامی ستم روا داشته اند هیچ عذر و بهانه‌ای در پیشگاه خداوند ندارند. ما برای نمونه برخی از احادیثی را که نشانگر احترامات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به آن حضرت می باشد را عرضه می داریم.

در کتاب بحار الانوار نقل شده که (قاضی ابو محمد کرخی) در کتابش از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام و آن حضرت از مادرشان حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام نقل کردند که وقتی این آیه نازل شد: **«لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»** «آن گونه که یکدیگر را صدا می زنید پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نخوانید»، من هم مانند سایر مسلمانان که پس از این آیه وقتی می خواستند آن حضرت را صدا بزنند می گفتند یا رسول الله، این گونه حضرتش را صدا زدم و از گفتن (پدر) خودداری کردم. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: ای فاطمه! این آیه درباره تو و خانواده و نسل تو نازل نگردیده است، چون تو از منی و من از تو، این آیه درباره متکبران خودخواه قریش نازل شده، فاطمه جان! تو به من بگو پدرم، چون این سخن دلم را زنده می کند و خدا را راضی می گرداند، سپس صورت مرا بوسید.

و نیز عایشه دختر طلحه از عایشه دختر ابی بکر نقل می کند: «در سخن گفتن کسی را از فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزدیکتر نیافتم. هر گاه

صدیقه طاهره عَلَيْهَا بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وارد می‌شد رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به او خوش آمد می‌گفت و دستش را می‌بوسید و او را در جای خود می‌نشاند و نیز هر وقت که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر فاطمه عَلَيْهَا وارد می‌شد، بانوی بزرگ اسلام پیش پدر بر می‌خواست و خیرمقدم می‌گفت و دو دست رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را می‌بوسید.»

از این نمونه احادیث در کتاب‌های شیعه و سنی فراوان است و ما برای نمونه این مقدار نقل کردیم. با توجه به احادیث صحیح و قابل قبول هر دو گروه شیعه و سنی باید به علت این همه احترام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نسبت به آن حضرت عَلَيْهَا توجه کرد و اینکه برخی از آن‌ها:

۱- رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند بهترین زنان اهل بهشت خدیجه عَلَيْهَا

دختر (خولید) و فاطمه عَلَيْهَا و (آسیه) زن فرعون و مریم دختر عمران هستند.^۱

۲- پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: بهترین زنان عالم چهار نفرند و همان افرادی که در حدیث قبل ذکر کردیم نام بردند.^۲

۳- رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: ای فاطمه! تو را این افتخار بس که در میان برترین زنان عالم، مریم و خدیجه و آسیه جا داری.^۳

این گونه احادیث بر، برتر بودن این چهار زن دلالت دارد ولی از این احادیث استفاده نمی‌شود که کدام زن از میان این چهار زن برتر هستند. خوشبختانه احادیث معتبری نیز وجود دارد که برتری حضرت فاطمه عَلَيْهَا بر آن سه بانو را اثبات می‌کند.

۱. مسند احمد، ج ۲ / ۲۹۳.

۲. همان.

۳. الإستیعاب.

البته ما در فضیلت حضرت زهرا ع بر کل زنان عالم هیچ گونه تردیدی نداریم و مسلمانان در مورد این موضوع اتفاق نظر دارند زیرا که حضرت زهرا ع پاره تن رسول خدا ص بودند و احدی نیست که بتواند در این عزت و شوکت با وی کوس برابر بزند و ما در تأیید این مطلب به آنچه برخی از محدثین گفته‌اند بسنده می‌کنیم.

(مسروق بن الاجدع) از قول عایشه می‌گوید:

روزی من و دیگر زنان پیامبر ص نزد حضرتش بودیم و حتی یک نفر از ما هم غائب نبود. فاطمه زهرا ع داشت به طرف پیامبر ص می‌آمد ولی راه رفتنش چنان بود که مانند راه رفتن پیامبر ص بود وقتی چشم آن حضرت به او افتاد، به او خوش آمد گفت و فرمود: دختر جان خوش آمدی، آن گاه ایشان را در سمت راست خود یا چپ خود نشانند و در گوش او محرمانه چیزی گفتند که فاطمه زهرا ع سخت گریستند، هنگامی که رسول خدا ص حزن و اندوه او را دیدند دیگر بار سر بر گوش او نهاده چیزی گفتند که فاطمه زهرا ع خندیدند. وقتی رسول خدا ص بلند شدند، از فاطمه ع سؤال کردم پیامبر ص چه رازی به شما بیان فرمودند. فرمود: راز پیامبر ص را به هیچ وجه فاش نمی‌کنم، وقتی پیامبر ص از دنیا رفتند به او گفتم اکنون که پیامبر ص از دنیا رفتند حق دارم از آن راز سؤال کنم. فرمودند: آری اکنون گفتن آن راز اشکالی ندارد، پرسیدم پیامبر ص در مرحله اول چه گفتند که شما گریان شدید؟ فرمود: رسول خدا ص خبر مرگ خویش را به من دادند، وقتی گریه کردم و بی‌تابی مرا



دیدند، فرمودند: فاطمه! آیا از اینکه سرور زنان مؤمن یا بانوی بانوان این امت باشی خشنود نیستی.^۱

احادیثی که در بردارنده این عبارت در بیان فضیلت حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ می‌باشد بسیار است و بیشتر آنها از عایشه و عمران و جابر بن سمره و ابن عباس و ابو بریده اسلمی و غیر آنها روایت شده و همچنین: بخاری از ابوالولید روایت کرده که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ پاره تن من است، هر که او را بیازارد مرا آزرده است. این حدیث به الفاظ گوناگون آمده است ولی همه آنها بیانگر یک معنی است. مثلاً: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ پاره تن من است هر که او بیازارد مرا آزرده است و هر که او را غضبناک نماید مرا به غضب آورده است.

۱۱

علی بن عبدالله سمهودی بعد از نقل حدیث «فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ پاره تن من است...» می‌گوید: هر کس شخصی از اولاد فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ را اذیت کند یا نسبت به او کینه ورزد خود را در معرض این خطر عظیم قرار داده است و بالعکس هر که آنان را احترام و تعظیم نماید خویشتن را موجب رضایت او قرار داده است. شاید مقصود آقای (سمهودی) از خطر عظیمی که به آن اشاره می‌کند استفاده او از این آیه قرآن باشد:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾^۲. «آن‌هایی که خدا و پیامبرش را اذیت می‌کنند در دنیا و آخرت مورد لعن

۱. طبقات ابن سعد، ج ۲.

۲. سوره احزاب، آیه ۵۷.

خدا قرار می گیرند و برای آنان عذابی دردناک مهیا گردیده است.» و همچنین آیه: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۱. «کسانی که پیامبر را آزار دهند، عذاب دردناکی خواهند داشت.»

اکنون از خواننده محترم سؤال می کنیم با توجه به آیاتی که ذکر شد و همچنین فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نظرتان درباره کسانی که پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را آزرند چیست؟

بگذریم، سخن در بیان احادیثی بود که بیانگر علاقه فراوان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه زهرا علیها السلام است و باید بپذیریم که به شماره درآوردن این احادیث کار مشکلی است. از جمله احادیثی که می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هر گاه مسافرت می رفتند آخرین نفری که ملاقات می کردند و با او خداحافظی می نمودند، حضرت زهرا علیها السلام بود و در بازگشت نخستین کسی که دیدار می فرمودند، آن حضرت بود.

یک بار که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از سفر مراجعت نمودند به خانه آن حضرت رفتند، ملاحظه کردند پرده ای نو در خانه حضرت زهرا علیها السلام آویخته شده و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام دو دستبند نقره برای زینت به دست آویخته اند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این بار داخل خانه نشدند، حضرت زهرا علیها السلام حدس زدند که علت نیامدن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به داخل خانه چیست؟ بلافاصله پرده را کردند و دو دستبند را نیز از دست های فرزندان خود درآوردند و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرستادند،



پیامبر ﷺ آن‌ها را گرفتند و به مصرف فقرا رساندند و فرمودند: این‌ها خانواده من هستند، دوست ندارم که از لذات دنیوی بهره‌مند شوند.

این حدیث را بسیاری از دانشمندان اهل سنت در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند که نقل آن‌ها باعث طولانی شدن سخن خواهد بود و از میان علمای شعیه شیخ بزرگوار کلینی رحمته الله علیه در کتاب شریف (کافی) و دیگران با تفصیل و توضیح فراوان با اختلاف اندکی بدین گونه نقل کرده‌اند.

زراره از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هر گاه قصد سفر می‌کردند با همه کسانی که لازم بود خداحافظی می‌کردند و آخرین نفر حضرت زهرا علیها السلام بود به گونه‌ای که سفر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همواره از خانه حضرت زهرا علیها السلام صورت می‌گرفت و هنگامی که مراجعت می‌کردند قبل از هر کس به خانه آن حضرت رفته و با ایشان دیدار می‌کردند. یک بار برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مسافرتی پیش آمد، در همان زمان نیز سهمی از غنیمت‌های جنگ به حضرت علی علیه السلام رسیده بود و آن را به حضرت زهرا علیها السلام داده بودند. آن حضرت از آن سهم غنائم جنگ یک پرده و دو دستبند خریدند.

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از سفر برگشتند ابتدا به مسجد رفتند و آن گاه به طرف منزل حضرت زهرا علیها السلام تشریف بردند. حضرت زهرا علیها السلام برخاستند و با یک دنیا شوق و ذوق به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفتند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نگاهی به دست‌های فاطمه علیها السلام نمودند و دستبند نقره را دیدند و همچنین پرده‌ای جدید دیدند که آویخته شده بود، نگاهی معنی‌دار به حضرت زهرا علیها السلام نمودند (و رفتند) حضرت زهرا علیها السلام غمگین شدند و به گریه افتادند و فرمودند پدرم تا به حال با من چنین

رفتاری نداشتند، سپس حسنین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ را صدا زدند و پرده را از داخل خانه کردند و دستبند را هم از دست مبارک باز کرده میان پرده گذاشتند و به وسیله دو فرزند خود خدمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرستادند و گفتند به جدتان سلام برسانید و به حضرتش عرض کنید ما کاری نکردیم که سزاوار سرزنش باشیم.

آن دو عزیز به سوی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدند و پیام مادر را رساندند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هر دو را در آغوش گرفته و هر یک را روی یک زانوی خود نشانده. بعد دستور دادند که دو دستبند را شکسته و قطعه قطعه نمودند و آن را میان اصحاب (صَفَه) تقسیم کردند چون آنان فقیرانی بودند که هیچ نداشتند، نه منزل و نه مال و ثروت.

این حدیث آن گونه که ملاحظه نمودید مورد اتفاق تمام دانشمندان مسلمان است و با تغییر مختصری در کتاب‌های شیعه و سنی نقل شده است، البته مقداری باید درباره آن به بحث و گفتگو پرداخت. مقصود از پرده‌ای که پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آویختن آن اعتراض کردند مسلماً پرده‌ای که پشت در خانه می‌آویزند نیست. زیرا که این چنین پرده‌ای باعث می‌شود که داخل خانه بهتر و کامل‌تر پوشیده شود و محال است که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به آویختن چنین پوششی به خشم آمده باشند. بلکه حتماً مقصود، آن است که فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ پرده‌ای در داخل منزل به عنوان زینت آویخته بودند و این چنین پرده زینتی هم به طور یقین حرمتی ندارد ولی از آنجا که اساساً زندگی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خانواده‌اش با چنین زینتی مناسب نیست، نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از این معنی آزرده خاطر گردیدند و داستان دستبند و گردنبند نیز به همین قرار است و در چنین موقعیتی شایسته همان بود که حضرت

زهرای عَلَيْهَا السَّلَامُ آن پرده و دستبند را در راه خدا انفاق کنند که انجام دادند، و به دنبال آن به گونه‌ای که برخی از عالمان اهل سنت نقل کرده‌اند در کتاب (مناقب فاطمه) از قول ابوهریره که وقتی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چشم مبارکش را به آن پرده و دستبند افتاد، سه بار فرمودند:

پدرش فدایش باد که این کار را انجام داده است، آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را با دنیا چه کار؟ زیرا که آنان برای آخرت آفریده شده‌اند و دنیا به طفیل وجود آن‌ها خلق گردیده است.

مرحوم مجلسی از تفسیر ثعلبی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده است که: رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ را دیدند که لباسی پشمینه بر تن داشتند و با دست خود آسیا را برای آرد کردن گندم یا جو می‌گرداند و در همان حال فرزند خود را شیر می‌دادند، اشک از چشمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با دیدن این منظره سرازیر شد و فرمود: دختر جان! تلخی و سختی دنیا را پیشاپیش بچش تا شیرینی آخرت را پس از آن دریابی، حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ عرض کرد: ای رسول گرامی پروردگار، خدای بزرگ را بر نعمت هایش سپاس می‌گویم و به خاطر بخشیده‌های او شکر فراوان دارم، پس از این گفتگو بود که این آیه نازل شد **﴿وَأَسْوَفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى﴾**^۱ «به زودی پروردگارت آن چنان بخششی بر تو نماید که راضی و خشنود گردی.»^۲

۱. سوره ضحی، آیه ۵.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳.

فاطمه زهرا علیها السلام و حجاب

حضرت صدیقه علیها السلام به عنوان یک زن نهایت اهمیت را در حفظ حجاب و پوشش خود داشتند. یعنی همان چیزی که اسلام آن قدر بدان اهمیت داده و بی توجهی به آن هزاران جرم و جنایت به وجود آورده و می آورد. نابسامانی‌هایی که از نبود پوشش کامل برای زن‌ها در جامعه به وجود آمده کم نیست و متأسفانه امروز و در زمان ما تحت عنوان آزادی زن و ترقی و تعالی وی مطرح می‌شود، شاهد بر این سخن ما روزنامه‌ها و مجلاتی است که هر روز و هر هفته در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی چاپ و منتشر می‌شود، باید آن‌ها را خواند و بررسی کرد تا سوغات زندگی ماشینی غرب را برای همه دنیا مخصوصاً ساکنان مشرق زمین بیشتر شناخت.

فراموش نکنید که بسیاری از این رسوائی‌ها و فجایع و حوادث آسفانگیز در زمانی که زنان به حجاب و عفت مقید بودند و به حلال و حرام اعتقاد داشتند و در آن زمانی که حتی از اینکه مردی بیگانه آنان را ببیند خودداری می‌کردند واقع نمی‌گردید. ولی امروزه که زنان در سطح جهان با بی تفاوتی بلکه با رغبت و میل، چهره و اندام برهنه خود را در معرض دید صدها بلکه هزاران نفر از مردان اجنبی قرار می‌دهند، این همه جنایات و خیانت‌ها و بی‌عفتی‌ها را شاهد هستیم، و چه تأسف آور است الگوهائی که زنان مسلمان از زن‌های غربی بر می‌دارند و همچون بسیاری از آنان نسبت به این مسائل بی‌اعتقاد به قیامت و محاسبه روز جزا هستند حرکت کنند، و جالب‌تر آنکه در برخی از موارد، کسانی که صحنه‌های زندگی اجتماعی زن غربی را هم شاهد بودند ببینند که زن‌های مسلمان ما به

مراتب بیش از آنها به فکر دلبری و طُنّازی بوده و هر روز شکل تازه ای و روش خاصی را در این زمینه از خود بروز می دهند و از همه مهم تر آن است که در جامعه اسلامی ما همین قیافه ها و مدل ها را تحت نام مقدّس (حجاب اسلامی) عرضه می کنند و آن را به اسلام و دین نسبت می دهند، و طبقات مختلف زنان از نظر سنّ و فرهنگ و علم، خود را آن چنان تحت واژه حجاب اسلامی قانع می سازند که دختران و نوباوگانی که سنّ آن ها پایین تر است چنین برداشت کنند که این طُنّازی ها و مدل های هوس انگیز خانمان سوز عین متن قرآن و دین است، وای بر ما و وای بر فرهنگ ما.

گر چه ابتدا چنین به نظر می رسد که بازگو کردن این مطالب کاملاً بی فایده است و به قول شاعر:

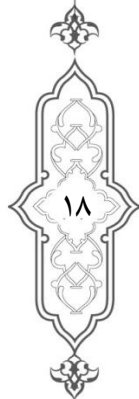
گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من آنچه البته به جایی نرسد فریاد است
به یاد دارم خاطره ای بس دردناک و آزاردهنده، چند سال قبل که توفیق تشرّف به حج داشتم، در مراسم سعی بین صفا و مروه که حاجیان می بایست با لباس احرام فاصله بین دو کوه صفا و مروه را هفت بار طی کنند، جلوی من خانمی ایرانی مشغول مناسک حج بود، پوششی داشت که از گفتن و نوشتن آن شرم دارم در هر حال آنچنان نازک بود که رنگ پوست بدنشان کاملاً پیدا بود. مقداری بالاچار پشت سر او حرکت کردم، ولی به فکر افتادم که بالأخره باید به ایشان تذکر دهم، تلاش کردم و خود را کنار آن خانم رساندم و گفتم: خانم مسلمان! شما اگر به پوشش قرآنی اهمیتی نمی دهید ولی توجّه داشته باشید در حال حاضر شما مُحرّم هستید و یکی از شرایطی که باید در لباس احرام باشد آن

است که کاملاً بدن را بپوشاند و به تعبیر فقهی ساتر باشد و این لباس شما ساتر نیست، در نتیجه احرام شما دارای اشکال می شود و به حج شما لطمه می زند، متأسفانه ایشان با کمال پروائی به من گفتند: این مطلب به خودم مربوط می شود. ولی چاره ای نیست به حکم وظیفه امر به معروف و نهی از منکر می بایست از هر شیوه ای در جهت بازگو کردن حکم قرآن در مورد حجاب و پوشش بانوان مسلمان استفاده کرد، بدین منظور خاطر مبارک و ذهن خوانندگان محترم را به مقدار چند دقیقه به این مسئله معطوف می دارم، توجه کنید:

گاهی برای اینکه به خیال خود وجدانشان را آرام کنند و ندای الهی که در درونشان فریاد می زند و به طور طبیعی و حتی بدون الهام گرفتن از بیرون آن را به پوشش دعوت می کند خفه سازند، می گویند حجاب در قرآن که کتاب آسمانی ماست و همه دستورات ضروری زندگی را بیان فرموده، نیست. بنابراین، اصرار بر این امر ساخته و پرداخته ی دیگران و به قول معروف کاسه های داغ تر از آش می باشد، در پاسخ این عزیزان عرض می داریم:

اولاً؛ این نکته که هر چه ما وظیفه داریم بدان عمل کنیم باید به طور صریح در قرآن قابل فهم و درک تمام افراد جامعه ما و اقشاری که حتی به ادبیات عرب و دستور زبان قرآن هم آشنائی ندارند بازگو شده باشد به گونه ای که هر فردی با مراجعه به قرآن بتواند بفهمد و دیگر نیازی به پیامبر ﷺ و معلم قرآن نداشته باشد، مطلبی نادرست و چیزی است که قرآن با آن مخالف بوده و به طور واضح و روشن آن را رد می نماید. قرآن کریم در سوره مبارکه نحل آیه ۴۴ می فرماید:

﴿... وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِنُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾.



« ما قرآن را به سوی تو فرستادیم تا برای انسان ها بیان کنی و روشن سازی آنچه را که (به عنوان دستورالعمل زندگی) برای بشر نازل شده.»

ملاحظه می فرمایید در این آیه شریفه به طور صریح و روشن نقش وجود مقدّس پیامبر ﷺ را بیان کننده و توضیح دهنده مطالب قرآن و معارف کتاب مقدّس آسمانی قرار داده و این خود نشان دهنده این مطلب است که قرآن نیاز به مبین و معلّم دارد و این گونه نیست که هر کس بتواند خودش مستقیماً از قرآن همه مسائل و مطالب را بیاموزد.

مفسّرین در توضیح و تفسیر این آیه شریفه مطالبی دارند، از جمله فخر رازی بزرگترین مفسّر اهل سنّت می گوید:

آنچه از ظاهر این آیه شریفه استفاده می شود، این است که این قرآن نیازمند به بیان پیامبر ﷺ است، در آخر سخن خود می گوید: چنانچه گفتیم مقصود آیه این است که شرح دهنده و روشن کننده همه احکام قرآن شخص وجود مقدّس پیامبر ﷺ است.^۱

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می فرماید: این آیه دلالت دارد بر اینکه در شرح و تبیین آیات قرآن، سخن پیامبر ﷺ حجت است و باید بدان عمل شود... و با توجّه به حدیث ثقلین که متواتر است و در درستی و صحّت صدور آن شکی نیست^۲، اهل بیت پیامبر ﷺ همچون خود وجود مقدّس

۱. تفسیر فخر رازی، ج ۲۰، صفحه ۳۷.

۲. حدیث ثقلین همان سخن معروفی است که پیامبر ﷺ مکرّر در طول عمر پربرکت خود فرموده‌اند و تمام بزرگان از محدثان و مفسّران اسلامی آن را نقل کرده‌اند و چندین راوی آن سخن را



پیامبر ﷺ بیان کننده‌ی آیات قرآن و احکام الهی هستند ولی غیر از آنها دیگر اصحاب پیامبر ﷺ و دانشمندانی که بعد از آن حضرت آمده‌اند سخن آنان برای مسلمانان حجت شرعی نبوده و لازم الاجراء نخواهد بود.^۱

بنابراین به صورت یک اصل کلی، هرگز نمی‌توانیم بگوئیم که فلان حکم در قرآن هست یا نه؟ و چرا ما آن را در قرآن نمی‌بینیم؟ و یا اینکه اگر آن را در قرآن ندیدیم می‌توانیم بدان عمل نکنیم، زیرا به حکم خود قرآن، سخن پیامبر ﷺ و به فرموده خود شخص پیامبر ﷺ به سخن خاندان آن حضرت و امامان و پیشوایان از اهل بیت علیهم‌السلام، هر چه بگوید قهراً از قرآن استفاده کرده و آنان مفسر و بیان کننده احکام قرآن هستند و دستورات آنان برای مسلمانان لازم الاجراء خواهد بود.

ثانیاً؛ اگر کسی بخواهد ریشه مسئله حجاب را در قرآن بیابد، آیات مبارکه سوره نور و سوره احزاب را باید به دقت مطالعه کند و با مراجعه به تفسیر، شرح و توضیح آن آیات را از نظر بگذراند تا ببیند که مسئله حجاب یک حکم کاملاً قرآنی است و وقتی قرآنی شد تمام مسلمانان باید آن را بپذیرند و در این صورت اگر کسی آن را قبول نداشته باشد یک مسئله ضروری یعنی مطلبی که مورد قبول

از پیامبر ﷺ بازگو کرده بدین جهت آن را متواتر می‌گویند یعنی کسانی که شخصاً آن را از پیامبر ﷺ گزارش کرده‌اند به قدری زیادند که جای شبهه ای در صدور این فرمایش، از آن حضرت باقی نمی‌ماند، فرمودند: من از میان شما می‌روم و دو چیز گرانبه در میان شما می‌گذارم یکی قرآن و دیگری اهل بیت من و آن دو هرگز از هم جدا نخواهند شد.

تمام مسلمانان بوده ردّ کرده و چنین کسی به حکم قرآن و اسلام (مرتد) و از دین برگشته خواهد بود.

در سوره مبارکه نور آیه ۳۱، به بانوان مسلمان این گونه دستور می‌دهد:

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَنْعَضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُدِينَنَّ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُدِينَنَّ زِينَتَهُنَّ إِلَّا...﴾

« به بانوان مؤمن بگو چشم‌های خود را از نگاه هوس آلود فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار نمایند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه خود بیفکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر...»

و در سوره مبارکه احزاب می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾^۱

« ای پیامبر! به همسران و دختران و بانوان مؤمنه بگو، (جلباب)های خود را بر خویش فرو افکنند.»

ملاحظه می‌فرمائید در این دو آیه از سوره مبارکه نور و احزاب در مورد پوشش بانوان دستوراتی را بیان فرموده که ما برای روشن شدن مطلب باید دو سه جمله از این دو آیه را کاملاً بررسی کنیم تا فرمان خداوند را در رابطه با پوشش بانوان به دست آوریم، در آیه سوره مبارکه نور دو جمله قابل توجه است:

جمله ﴿وَلَا يُدِينَنَّ زِينَتَهُنَّ﴾ «نباید زینت خود را آشکار نمایند» و جمله ﴿وَلِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ «حتماً باید خمارهای خود را بر جیب‌هایشان

بیفکنند» و در آیه سوره مبارکه احزاب، جمله «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ»
«جلباب‌های خود را به خود نزدیک کنند و بر خود بیفکنند».

به عبارت دیگر اول باید معنای واژه‌های (زینت)، (خمار)، (جیب) و
(جلباب) روشن شود تا در مرحله بعد به ارتباط این واژه‌ها با کلمات قبل و بعد
آن‌ها برسیم و بدین ترتیب فرمان خداوند را در رابطه پوشش و حجاب بانوان به
دست آوریم.

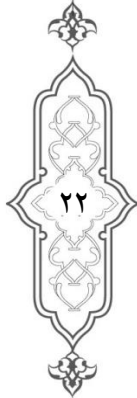
اما معنی واژه‌ها

اولین واژه، زینت است.

راغب اصفهانی در کتاب مفردات که کلمات قرآن را صرفنظر از ارتباط آن
کلمه با قبل و بعد آن تفسیر می‌کند می‌نویسد: «زینت حقیقی آن چیزی است که
با داشتن آن در هیچ حالتی انسان زشت و مورد تنفر قرار نگیرد چه در دنیا و چه
در آخرت و زینت سه گونه است. زینت نفسانی که مربوط به نفس و روح انسان
است مانند علم و اعتقادات صحیح و زینت بدنی مانند نیرومندی و قد بلند و
زینت بیرونی که در خود انسان نیست و از بیرون وجود او، به او وابسته شده و
مایه زینت او گردیده مانند مال و مقام.»^۱

و صاحب کتاب التحقیق در این زمینه بعد از نقل عبارت مفردات و برخی از
لغت‌های معتبر می‌گوید: «پس روشن شد که حقیقت زینت عبارت است از
زیبائی ظاهری هر چیز، چه ذاتی باشد یا عَرَضِي (عرضی یعنی اینکه خود آن چیز

۱. مفردات راغب در کلمه (زین).



ذاتاً زیبا نیست ولی به خاطر ارتباط و اتصال به برخی از امور زیبا شده مانند صورت انسانی که ذاتاً زشت است ولی با آرایش زیبا می‌شود) بنابراین زینت زن عبارت است از هر چه که از او نشان داده می‌شود و قابل دیدن است و جلوه‌ی خاص خود را دارد، بدین ترتیب (زینت زن) شامل صورت و دستهای او هم می‌شود، البته در این مورد واژه دیگری هم در کلام عرب است به نام (حلیه) که جمع آن عبارت است از (حُلّی) و مقصود از حلیه فقط زینت‌های عرضی (نظیر گردن بند و دستبند) است، و برخی از مؤلفین از این نکته غفلت داشته‌اند و (زینت) را به حلیه تفسیر کرده‌اند و برخی برای اینکه از این مشکل تفسیر نادرست فرار کنند، گفته‌اند: منظور از زینت موضع زینت است یعنی مثلاً زینت را دستبند دانسته و موضع زینت را (مَج) دانسته‌اند.^۱

دومین واژه، واژه خُمَار است که جمع آن عبارت است از خُمُر یعنی خمارها. در کتاب مفردات، راغب می‌گوید:

« کلمه خُمُر به معنی پوشیدن چیزی است و آنچه که وسیله پوشیدن قرار می‌گیرد به او گفته می‌شود (خِمَار) ولی در عرف عرب کلمه خِمَار نام آن چیزی است که سر زن به وسیله آن پوشیده می‌شود.»

و در کتاب التّحقیق در این زمینه می‌گوید:

خَمَر و خِمَار از یک ریشه است و اگر به شراب (خَمَر) گفته‌اند بدان جهت است که نیروها و حواس ظاهری انسان را می‌پوشاند و به درون انسان نفوذ کرده

و عقل را هم پشت پوشش قرار می‌دهد... و اما (خِمار) چون سر را می‌پوشاند... بنابراین به آنچه که سر را می‌پوشاند (مانند مقنعه و روسری) خِمار گفته می‌شود. سپس می‌گوید: اینکه در قرآن گفته می‌شود: ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ «باید خمارهای خود را بر جیب‌های خود بزنند»، فرموده باید خمارها، لباس و مایه پوشش (جیب) قرار گیرند بلکه فرموده خمارها را به جیب‌ها بزنند بدین معنی است که (خمار) لباس سر است که همیشه باید باشد و ثابت است ولی دستور قرآن این است که آن لباس سر را بر جیب‌های خود بیفکنند.

در این آیه شریفه توجّه فرمایید، کلمه (خُمْرٌ) به (هِنَّ) اضافه شده و معنایش عبارت است از خمارهای خود آنان، ولی به گفته صاحب التحقیق این اضافه (خُمْرٌ) به (هِنَّ) دلالت دارد بر اینکه خُمْر از لوازم زن هاست و از چیزهایی که همیشه با آنان همراه است پس گویا (خُمْرٌ) برای آنان ثابت است و از آنان جدا نمی‌شود مانند (جُيُوبِهِنَّ) که (جیب) همیشه به آنان چسبیده و هیچگاه از آنان مُنفک نیست،

نکته دیگر اینکه قبل از کلمه (جُيُوبِهِنَّ) (عَلَى) آمده به معنی (بر) و این اشاره دارد بر اینکه (خُمْرٌ) کاملاً باید بر (جُيُوب) احاطه داشته و همه اطراف آن را بگیرد به گونه‌ای که هیچ نقطه‌ای از (جیب) از پوشش (خُمْر) خالی نباشد.

و ضمناً قبل از کلمه (بِخُمُرِهِنَّ) کلمه (وَلْيَضْرِبْنَ) آمده یعنی حتماً باید خمارهای خود را بر جیب‌های خود بزنند و کلمه زدن دلالت دارد بر اینکه به هر نحو ممکن با کشیدن خمار یا با گره زدن آن یا چسباندن دو طرفش به یکدیگر می‌بایست (جیب) پوشیده شود.



و باز نکته‌ی قابل توجه آن است که کلمه (وَلِیْضِرِّینَ) صیغه امر است یعنی باید بزنند و این شدتِ اهتمام در پوشش را می‌رساند.

سومین واژه، واژه (جیب) است که جمع آن عبارت است از جیوب یعنی قسمت جلوی گردن.^۱

آنچه که از کتابهای لغت به دست می‌آید کلمه جیب عبارت است از قسمت جلوی گردن که معمولاً باز است و وقتی پیراهن به آنجا می‌رسد دکمه ندارد و دو طرف پیراهن بر می‌گردد، این قسمت از گردن را در فارسی گلو می‌گوئیم و در ادبیات فارسی هم این واژه وجود دارد، به کسی که سرش را پائین انداخته و مشغول فکر کردن است می‌گفتند (سر در جیب تفکر فرو برده) بدین ترتیب می‌توان گفت (جیب) عبارت است از گردن و غبغب و قسمت بالای سینه.

آخرین واژه کلمه (جلباب) است که جمع آن (جَلَابِیب) می‌شود به معنی پوشش روی لباس.

صاحب کتاب التَّحْقِیق بعد از تحقیق در ماده (جلباب) و اینکه اصل آن از جَلَب یعنی سوق دادن چیزی از جایی به جایی است، همان طوری که در محاورات فارسی هم گفته می‌شود کسی که از فردی شکایت کرده حکم (جلب) او را در دست دارد یعنی به وسیله آن حکم آن فرد را از محل زندگیش به دادگاه می‌کشد؛ می‌گوید:

آنچه از کتابهای لغت استفاده می‌شود این است که (جلباب) عبارت است از

آن چیزی که بدن و لباس را می پوشاند مانند ملحفه و بدین ترتیب یکی از مصادیق (جلباب) چادر خواهد بود، یقیناً چادر به شکلی که فعلاً بعضی از بانوان مسلمان به سر می کنند همان گونه است که در کتابهای لغت، جلباب را معنی کرده اند، یا مثلاً مانتوهای بلند و گشادی که کاملاً تمام بدن و لباس آن ها را بپوشاند، می توان گفت همان چیزی است که قرآن دستور داده است.

آنچه عرض شد، بر اساس ریشه یابی لغات و واژه هائی که در قرآن کریم در مورد پوشش بانوان مطرح شده است، از اینجا به بعد باید از فرمایشاتی که مفسران در ذیل آیات فوق بیان فرموده اند استفاده کنیم.

در تفسیر مجمع البیان حدیثی را از پیامبر خدا ﷺ نقل می کند که فرمودند: شوهر مَحْرَم است تا حدی که لباس زیر را هم در آورده و پسر و برادر مَحْرَم هستند تا حدی که باید پوششی حداقل داشته باشد که از آن تعبیر به (درع) می شود ولی برای غیر مردان مَحْرَم (مثل پدر و برادر و دائی و عمو و...) چهار نوع لباس باید داشته باشد. (درع) و (خمار - مقنعه) و (جلباب - همان پارچه سراسری که روی لباسش و بدن را بپوشاند) و (ازار).^۱

بدین ترتیب چهار نوع لباس برای زن بیان فرمودند: (درع) که لباس چسبیده به بدن و (خمار) که مقنعه است و (جلباب) همان پوشش کامل بدن و (ازار)، در مورد (ازار) آنچه که از لغت به دست می آید چیزی است شبیه (دامن) که امروز بانوان از آن استفاده می کنند و بدین ترتیب، قسمت میانه بدن بانوان مسلمان یک

۱. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۳۰ به نقل از تفسیر مجمع البیان.



پوشش اضافه از سایر قسمت های بدن دارد.

نکته ای که در اینجا قابل توجه است، این است که در آیه سوره مبارکه ی نور می فرماید: «وَلَا يُدِينَنَّ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» «و زنان نباید زینت خود را آشکار کنند مگر آن مقداری که ظاهر است»، ملاحظه می فرمایید در این آیه شریفه مقداری از بدن بانوان از حکم پوشش استثناء شده است و آن استثناء با جمله (إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا: مگر آنچه که از آنها ظاهر است) بیان شده است، باید در مورد این استثناء به فرمایشات معصومین علیهم السلام مراجعه کرد تا ببینیم آن بزرگان در این مورد چه می فرمایند.

در کتاب شریف کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده که وقتی از حضرتش پرسیدند چه مقدار از بدن زن، جایز است برای مرد که بدان نگاه کند فرمود: صورت و دو کف دست و دو قدم، یعنی دو پا از کف پا تا میچ...^۱

بدین ترتیب ملاحظه می فرمائید ملازمه ای است بین آنچه که زن می تواند از بدنش نپوشاند و آنچه که مرد می تواند به بدن زن نگاه کند.

و فتوای مراجع تقلید نیز در این مورد همین گونه است و با استفاده از این حدیث و احادیث دیگر فرموده اند بانوان مسلمان می توانند صورت و دو کف دست را از آن حکم کلی پوشش استثناء کنند.

البته در این زمینه باید توجه شود که صورت وقتی می تواند باز باشد که بدون آرایش باشد و آلا صورت آرایش شده یک بانوی جوان، کاملاً تحریک کننده

مردهای هوس باز خواهد بود و قهراً مرد جوانی که به صورت آرایش شده بانوی جوان نگاه کند، این نگاه مقدّمه‌ای خواهد بود برای تخلفات بعدی، نویسنده این مقاله نظر بانوان مسلمان را در این مورد به نکته زیر جلب می‌کند.

چندی پیش از حضور مراجع بزرگ که برخی از آنان از دنیا رفته‌اند و برخی در حال حیات هستند، استفاده کردم نامه‌ای بدین گونه محضر آنان نوشتم:

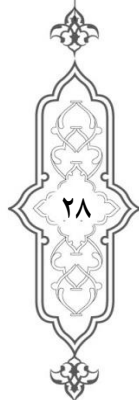
« با توجّه به اینکه بانوان شهرنشین معمولاً حداقل آرایش را همیشه دارند، آیا باز هم اجازه می‌فرمایید چنین صورت آرایش شده‌ای را باز بگذارند و به عبارت دیگر آن استثناء بالا شامل چنین صورتی هم می‌شود؟»

آن بزرگان در جواب نوشتند: جایز نیست.

آنچه که در این مقاله پیرامون حجاب و پوشش بانوان مسلمان مطرح شد، همان چیزی است که از قرآن کریم استفاده می‌شود و امیدواریم بانوان مسلمان و کسانی که مدل حجاب جدید یعنی همین بیرون گذاشتن مقداری از موی سر و پوشیدن لباس‌های جلف و تنگ و عرضه کردن زیبایی‌ها و برآمدگی‌های بدن خود را حجاب اسلامی و پوشش شرعی می‌دانند به این چند سطر توجّه نموده شاید به خاطر خدا و حفظ عفت جامعه و عذاب الهی در روز قیامت در این شکل حجاب خود تجدید نظر نمایند.

برگردیم به اصل مطلب، سخن در اهتمام حضرت فاطمه زهرا ع به مسئله حجاب بود به گونه‌ای که خود وجود مقدّس پیامبر ص از این نکته لذّت برده و حضرتش را در این جهت مورد ستایش و محبّت بیشتر قرار دادند.

ابونعیم در کتاب حلیة الاولیاء از انس بن مالک نقل می‌کند:



« رسول خدا ﷺ از اصحاب سؤال فرمودند: ارزنده‌ترین و گرامی‌ترین زیور برای زنان چیست؟ انس بن مالک می‌گوید ما نتوانستیم پاسخ دهیم. علی علیه السلام به خانه آمدند و این سؤال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را با همسرشان حضرت زهرا علیها السلام در میان گذاشتند. حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: می‌خواستید بگویید بهترین زیور زنان آن است که مردان آن‌ها را نینند و آنان نیز مردان را نینند. حضرت علی علیه السلام بلافاصله خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بازگشته و این پاسخ را به عرض رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسانیدند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: فاطمه علیها السلام درست گفته زیرا او پاره تن من است.^۱ داستان‌های دیگری در این زمینه از آن حضرت نقل شده که ما به جهت رعایت اختصار به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

دعای نور درمانی شگفت آور برای تب

از حضرت صدیقه طاهره علیها السلام دعاهای فراوانی نقل شده است که در مقام مناجات با پروردگار قرائت می‌فرمودند و در کتاب‌های بزرگ دعا که بزرگان از علماء اسلام نوشته‌اند، نقل شده، از جمله این دعاست که به نام دعای نور معروف است. این دعا در میان علماء بزرگ شیعه در طبقات مختلف از آن حضرت نقل شده و معروف است که این دعا در درمان تب بسیار مؤثر است.

سید ابن طاووس از عالمان و نویسندگان بزرگ شیعه در کتاب مهج الدعوات نقل می‌کند که حضرت زهرا علیها السلام این دعا را به جناب سلمان فارسی آموختند و به او فرمودند: اگر می‌خواهی تا وقتی در دنیا هستی گرفتار تب نشوی هیچ گاه

این دعا را ترک نکن که پدرم به من آموختند و من صبح و شام می‌خوانم:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ نُورِ النَّوْرِ بِسْمِ اللَّهِ نُورِ النَّوْرِ عَلَى نُورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ النَّوْرِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ النَّوْرِ وَأَنْزَلَ النَّوْرَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ عَلَى نَبِيِّ مَحْبُورٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعَزْمِ مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ».

سلمان می‌فرماید: به خدا به بیش از هزار نفر در مکه و مدینه این دعا را آموختم که تب بر آنان عارض شده بود و به اذن خدا شفا یافتند.

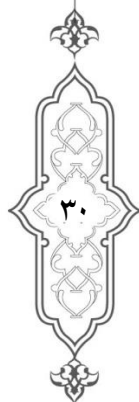
رحلت پیامبر ﷺ

بزرگترین غم زندگی حضرت فاطمه عليها السلام غم فراق پیامبر صلی الله علیه و آله بود، شدت ارتباط روحی و پیوند قلبی بین این پدر و دختر به گونه‌ای بود که تصور فراق برای آن حضرت خیلی سنگین بود چه برسد به اینکه با چشم خود ببیند پدر بزرگوارش در بستر مرگ افتاده و دقایق آخر زندگی خود را سپری می‌فرماید.

قهرآ به هر مقدار که این منظره برای حضرت فاطمه عليها السلام سخت بود برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز سخت بود و شاید سخت‌تر.

شیخ مفید رحمته الله از عبدالله بن عباس نقل می‌فرماید که وقتی زمان رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نزدیک شد آن قدر گریه کردند که محاسن مبارکشان از زیادی اشک تر شد، به حضرتش عرض کردند:

«یا رسول الله! برای چه گریه می‌کنید؟ فرمودند: برای فرزندانم و آنچه که بعد از من از برخی افراد امتم به سر آنان خواهد آمد، برای دخترم فاطمه عليها السلام که بعد از



من به او ظلم می‌شود و هر چه فریاد بر می‌آورد، پدر، هیچ کس به فریادش نمی‌رسد»، حضرت فاطمه علیها السلام این سخن را شنیدند و شروع کردند به گریه، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «دختر عزیزم گریه مکن»، حضرت فاطمه علیها السلام عرض کرد: «من برای آنچه پس از شما بر سرم خواهد آمد نمی‌گریم، من از فراق شما گریه می‌کنم». پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «ای دختر محمّد! تو را بشارت باد که بعد از من تو به سرعت به من ملحق خواهی شد، تو اولین کسی هستی از خانواده‌ام که به من می‌پیوندد».

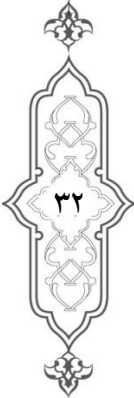
در اینجا حدیثی را از امام هفتم حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام بیان می‌داریم تا شدتِ اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به ارائه‌ی شخصیت و عظمت مقام والای حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را توجّه نمایید.

قبل از بیان فرمایش امام هفتم علیه السلام به این نکته توجه فرمایید:

لحظات آخر عمر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کوبیده شد. حضرت زهرا علیها السلام شخصاً پشت در رفتند و در را باز کردند. دیدند فردی برای دیدن و عیادت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده، حضرت فرمودند: حال پدرم مناسب نیست و آن فرد هم اصراری نکرد و رفت. پس از آمدن خدمت پدر، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند دخترم کوبنده در چه کسی بود؟ عرض کرد کسی برای عیادت شما آمده بود. گفتم حال پدرم مناسب نیست. فرمودند: برو و در را باز کن، آن کوبنده در، فرشته مرگ است که برای قبض روح من آمده، او برای ورود به خانه انسان‌ها اجازه نمی‌گیرد، فقط این خانه است که مقید است با اجازه وارد شود. حضرت رفتند در را باز کردند. فرشته مرگ داخل شد و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشرف

گرددید. از حضرت اجازه خواست برای قبض روح آن حضرت، فرمودند: کمی صبر کن تا برادرم جبرئیل بیاید. پس از مدتی جبرئیل به خدمت حضرت مشرف شد. فرمودند: کجا بودی؟ در این لحظه حسّاس مرا تنها گذاشتی. عرض کرد: بهشت بودم با فرشتگان دیگر مشغول تزیین بهشت برای ورود شما بودیم. پیامبر ﷺ فرمودند: جبرئیل در این لحظات حسّاس یاد بهشت مرا خوشحال نمی کند، بگو بینم خداوند روز قیامت با گنهکاران امت من چه خواهد کرد؟ جبرئیل یکی از آیات سوره مبارکه ضحی را که قبلاً بر پیامبر ﷺ نازل نموده بود خواند و عرض کرد: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» «آنقدر خداوند (آن روز) به تو ببخشد تا تو راضی شوی». پیامبر اکرم ﷺ احساس آرامش نمود و آماده برای لقاء و دیدار پروردگار خود شدند، تا اینجای جریان را ملاحظه فرمودید،

حالا می‌رسیم به فرمایش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام: راوی می‌گوید به امام هفتم عرض کردم بعد از رفتن فرشتگان از حضور پیامبر ﷺ چه جریان رخ داد؟ فرمودند: پیامبر ﷺ، علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را خواستند و به دیگران فرمودند از اطاق من بیرون روید و امّ سلمه را مأمور کردند کنار درب اطاق بنشینند تا کسی نتواند وارد شود. سپس فرمودند: یا علی! نزدیک بیا. علی علیه السلام آمدند. سپس دست فاطمه علیها السلام را مدتی طولانی بر سینه خود گذاشتند و با دست دیگر دست حضرت علی علیه السلام گرفتند (و دست فاطمه علیها السلام را در دست حضرت علی علیه السلام گذاشتند) ... فرمودند: ای ابوالحسن! این امانت خدا و پیامبرش محمد است (منظورشان حضرت فاطمه علیها السلام بود) فرمان خدا و حرمت مرا در مورد او حفظ کن... یا علی! آنچه فاطمه علیها السلام به تو فرمان دهد انجام ده زیرا اموری را که

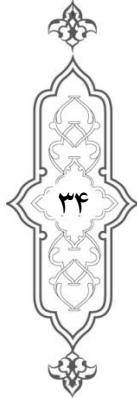


جبرئیل به من خبر داده بود به او آموختم، و بدان من از کسی راضی هستم که دخترم فاطمه علیها السلام از او راضی باشد و هم چنین اند پروردگار من و فرشتگان. سپس نام این چهار نفر را بردند و فاطمه علیها السلام را و علی و حسن و حسین علیهم السلام را به خود چسبانیدند و فرمودند: خداوندا! من برای اینان و هر کس از اینها پیروی کند روی سلامت دارم و تعهد می‌کنم آنان به بهشت بروند و هر کس به آنان ستم کند و دشمنی ورزد و از آنان جلو بیفتد یا عقب‌تر از آنان باشد و از شیعیان آنها جلو بیفتد یا عقب بماند تعهد می‌کنم که وارد جهنم گردند، سپس فرمودند: ای فاطمه! راضی نخواهم شد مگر تو راضی شوی، سپس دوباره فرمودند: نه به خدا سوگند رضایت نمی‌دهم مگر بعد از رضایت تو، بار سوم فرمودند: نه به خدا قسم راضی نمی‌شوم مگر بعد از راضی شدن تو.....^۱

ملاحظه فرمائید، گفتگوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در لحظات آخر عمرشان با جبرئیل، و بلافاصله سخنی که به حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند، هر دو را کنار هم بگذارید نتیجه این می‌شود، رضایت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم وابسته به رضایت حضرت فاطمه علیها السلام خواهد بود. خداوند ما را در مسیر رضایت حضرت فاطمه علیها السلام قرار دهد تا قهراً مشمول رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار گیریم و روز قیامت از رضایت حضرتش بهره‌مند گردیم.

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حوادثی پیش آمد، خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با اینکه بر اساس فرمایشات مکرر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌بایست عهده‌دار زعامت و رهبری جامعه

باشند، کنار زده شدند و به دنبال آن حوادث بسیار تلخ و شومی پیش آمد که تا به حال جامعه اسلامی را گرفتار اختلاف و افتراق نموده، عزیزانی را که خداوند جامعه رهبری را به قامت مبارکشان دوخته بود، به انزوا کشیده شدند و قهراً برای اینکه برخی دیگر به حکومت برسند آن عزیزان مورد ظلم و ستم قرار گرفتند و شد آنچه نباید بشود، و ما آن حوادث تلخ را هم برای اینکه خاطر شما آزرده نشود و هم به جهات دیگر بازگو نمی‌کنیم.



خودآزمایی

۱. پیامبر ﷺ در پاسخ به حضرت زهرا علیها السلام که درخواست خدمتکار کردند چه فرمودند؟
۲. اهتمام حضرت زهرا علیها السلام به حجاب چگونه بود؟
۳. طبق برخی از روایات ارزش تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام برابر با چیست؟
۴. ثواب کمک کردن مرد به همسر خود در منزل چه قدر است؟
۵. برترین زنان عالم چه کسانی هستند؟
۶. بین زنان برتر عالم چه کسی نسبت به بقیه آنها افضل و برتر است؟
۷. بزرگترین غم زندگی حضرت زهرا علیها السلام چه بود؟ چرا؟
۸. چه مقدار از بدن زن برای مرد جایز است که بدان نگاه کند؟
۹. ارزنده‌ترین زیور برای زنان از نظر حضرت زهرا علیها السلام چیست؟
۱۰. اثر و خاصیت دعای نور چیست؟

